

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه انشقاق، ۹ شوال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَ أذِنَتْ لِرَبِّهَا وَ حَقَّتْ (۲) وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳) وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ (۴) وَ أذِنَتْ لِرَبِّهَا وَ حَقَّتْ (۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأَقِيهِ (۶) فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷) فَسَوْفَ يَحْسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸) وَ يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹) وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا (۱۱) وَ يَصَلَّى سَعِيرًا (۱۲) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴) بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵) فَلَا أَفْسِسُ بِالشَّفَقِ (۱۶) وَ الْيَلِ وَ مَا وَسَقَ (۱۷) وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸) لَتَرْكَبَنَ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (۱۹) فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَ إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكذِّبُونَ (۲۲) وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴) إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

معرفی اجمالی سوره

خانم سیفی از قول استاد اخوت گفته‌اند که سوره انشقاق برای محبت بین افراد خانواده و ایجاد صمیمیت و رفع اختلافات خانوادگی خیلی مناسب است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ ﴿٥﴾

در آیات اولیه، سوره با توصیف موقعیت آخرت شروع می‌شود.

آسمان شکاف برمی‌دارد و زمین کشیده می‌شود و همه آنچه درون آن هست به بیرون می‌ریزد و خالی می‌شود. هردوی آسمان و زمین را بیان می‌کند که به اذن پروردگار اینگونه می‌شوند و حق هم همین است. اتفاقی که برایشان می‌افتد، تحقق حقیقتی هست که باید رخ دهد.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾

وقتی این فضای قیامتی ترسیم می‌شود خداوند خطاب به انسان می‌گوید که تو در زندگی دنیایی کادح هستی یعنی درحال تلاش بسیار زیاد همراه با خستگی هستی که باید آن را ادامه بدهی. در ریشه کدح، هم مفهوم جهد وجود دارد، هم تعب و خستگی و هم استمرار. دنیا اصلا مدلش در سختی بودن است. مانند سوره بلد که می‌گوید لقد خلقنا الانسان في كبد، البته کبد با کدح تفاوت‌هایی دارند. کدح یعنی انسان خسته هست ولی با تمام خستگی باید تمام تلاشش را بکند و کوتاه هم نیاید و ادامه دهد.

این تلاش به خاطر ملاقات پروردگار ارزشش را دارد و گرنه آنقدر تحمل رنج و خستگی ارزش نداشت. براین اساس آدم‌ها در آخرت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾

دسته‌ای که کتابشان را به دست یمین شان می‌دهند یعنی خیر و یمن و خوبی هست که به دستشان می‌دهند.

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾

فهم قرآن

دسته اول، حساب راحت و یسیر دارند. در سوره لیل و انشراح اشاره شده که در همین شرایط سختی، آدم‌ها اگر اعتقاد داشته باشند شرایط برایشان یسر می‌شود. در آخرت هم افراد همینگونه است. در محاسبه شان یسر و روان اتفاق می‌افتد.

وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾

این‌ها به سوی اهل و خانواده‌شان منقلب می‌شوند. به سمت آن‌ها که با آن‌ها اهلیت داشتند، مسرور منقلب می‌شوند یعنی تحولی که برای این‌ها بوجود می‌آید، وضعیت با نشاط و همراه با سروری را برای این‌ها ایجاد می‌کند.

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾

و دسته‌ای که کتابشان از پشت سر به آن‌ها داده می‌شود. نمی‌گویند دست راست و دست چپ. این‌ها انگار پشت و رو دارند حرکت می‌کنند، خلاف جهت حق که اول سوره می‌گفت، اذنت لربها و حقت، حرکت می‌کنند. این‌ها رو به حقیقت نیستند پس انگار نامه حساب شان را از پشتشان به آن‌ها می‌دهند.

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ﴿١١﴾

فریاد وا ثبورا سر می‌دهند چون می‌فهمند که بدبخت شده‌اند.

وَيَصَلَّىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾

با عذاب جهنم مواجه می‌شوند.

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾

این‌ها قبلاً در اهل خودشان خیلی مسرور بودند. جالب است که آن سروری که برای آدم‌های مثبت بیان می‌شود، سروری بعد از تحولات هست البته نه اینکه قبل از تحولات سرور نداشتند ولی تحولات سرور و شادی آن‌ها را از بین نمی‌برد. این دسته قبلاً شاد بوده‌اند و اصلاً به تحولات بعدی کاری نداشتند.

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴿١٤﴾

این‌ها گمان می‌کردند که هیچ وقت شرایط عوض نمی‌شود. به عاقبت توجه نمی‌کنند. فکر نمی‌کردند که در موقعیتی که هستند شرایط عوض شود.

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾

درحالی‌که پروردگارشان کاملاً به آن‌ها بصیرت داشته است.

فَلَا أَقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾

تا اینجا در مورد آخرت صحبت شد. از اینجا چند قسم می‌خورد و وضعیت این افراد را در دنیا بررسی می‌نمایند. سوگند به شفق. شفق وضعیتی هست که می‌رود تا تاریک شود.

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾

حالا که آسمان داشت رو به تاریکی می‌رفت، شب می‌شود و شب خیلی چیزها را در خود جمع می‌کند.

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾

و ماه نور خودش را فراهم می‌کند و کامل می‌شود.

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾

جواب قسم است. شما وضعیت تان مرحله به مرحله عوض می‌شود. کسانی بودند که ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ، فکر می‌کردند شرایط هیچ‌گاه عوض نمی‌شود، خدا سوگند می‌خورد که چرا. این بسترهایی که شما سوار آن می‌شوید و دارید به سمت مقصدتان پیش می‌روید، مرحله به مرحله تغییر می‌کند و وارد شرایط جدیدتری می‌شوید.

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

فهم قرآن

افرادی که در آخرت نامه اعمالشان را از پشت سر به آن‌ها می‌دادند، چه شان هست؟

چرا ایمان نمی‌آورند؟ چرا به حقایقی که آسمان و زمین به آن شهادت می‌دهند، ایمان نمی‌آورند؟

وقتی شما به واقعیت‌ها توجه می‌کنید ممکن است که آن‌ها دچار حور (یحور) بشوند ولی حقایق ثابت هستند و دچار دگرگونی نمی‌شوند. اگر افراد به حقایق توجه کنند، هر چقدر که عالم زیر و رو شود، حال آن‌ها زیر و رو نمی‌شود و اگر آن‌ها وضعیت خوبی داشته باشند، وضعیت خوبشان حفظ می‌شود. چرا افراد با این حقایق ثابت برای خودشان امنیت ایجاد نمی‌کنند؟

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾

چرا وقتی قرآن برای آن‌ها خوانده می‌شود، سجده نمی‌کنند، اوج خضوع در برابر قرآنی که برای آن‌ها حقایق را بیان می‌کند، ندارند. این آیه، سجده مستحب دارد.

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾

به خاطر این که کافران تکذیب می‌کنند و تصدیق نمی‌کنند.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾

خداوند بیشتر از همه علم دارد که ظرف وجودی آن‌ها چه چیزی دریافت می‌کند، چه می‌شنوند. شنیده‌های آدم خیلی مهم است و می‌تواند زندگی آدم را زیر و رو کند. خیلی مهم است که انسان مراقب ورودی‌هایش باشد که ظرفش را دارد چگونه پر می‌کند. ورودی ظرف انسان، وعاء انسان، چشم و گوش هست، به خصوص به گوش می‌گویند واعیه، گوش شنوا که ظرف را پر می‌کند. خدا می‌داند که آن‌ها چه چیزی را به جای حقایق دریافت کرده‌اند که آن را نمی‌پذیرند.

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾

آن‌ها آنقدر به عذاب دردناک نزدیک هستند که می‌شود آن را به آن‌ها بشارت داد.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

آدم‌ها را باید به عذاب الیم بشارت داد به جز کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداش این‌ها بی‌نهایت است و تمام نمی‌شود.

جمع بندی

سوره انشقاق در مورد وضعیت قیامت صحبت می‌کند و نشان می‌دهد که آدم‌ها دو دسته هستند، بعضی از آدم‌ها خوشحال هستند و خوشحال می‌مانند، بعضی از آدم‌ها الکی خوشحالند و این خوشحالیشان اگر شرایطشان کمی تغییر کند، بهم می‌ریزد. بستگی دارد که افراد چقدر به حقایق ایمان دارند تا خوشحالیشان حقیقی باشد.

ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

سوره انشقاق؛ سوره کارهای خوبِ نشاط بخش است.

سوره انشقاق به صورت کلی در مورد کارهای خوبی که باعث نشاط و شادی می‌شود، صحبت می‌کند. می‌خواهیم بچه‌ها متوجه ارتباط کارهای خوب با نشاط بشوند. بفهمند که کارهای خوب چطور باعث می‌شود که نشاطشان پایدار بماند و یواش یواش نسب کارهای خوب را با کارنامه بفهمند یعنی کارنامه اعمال انسان که به انسان داده می‌شود از جنس رضایت و شادی است. این را در یک سیری به بچه‌ها منتقل می‌کنیم.

- در پایه اول، بچه‌ها ببینند که کارهای خوب شادی آور است. یک کار خوب را مشخصا انجام دهند، شاد شوند و نتیجه‌اش را ببینند. همچنین بچه‌ها را با کارهای خوبی که سبب شادی دیگران می‌شود، مواجه می‌کنیم. بدانند که چه کارهایی دیگران را خوشحال می‌کند.
- در پایه دوم، تمرکز می‌کنیم روی کارهای خوبی که باعث نشاط خودش می‌شود.

- در پایه سوم، تمرکز را می‌بریم روی یک کار خوب. در واقع بچه‌ها را با ثمره انجام آن کار خوب آشنا می‌کنیم. مثلاً ببینند که با یک کار خوب در رابطه با پدر و مادر، آن‌ها را چقدر خوشحال می‌کنند.
- در پایه چهارم، بچه‌ها را با انجام کارهای خوب نسبت به دیگران آشنا می‌کنیم که اثرات آن در بلند مدت مشخص می‌شود. مثلاً اگر با کسی الان بد اخلاق هست، برخورد خوبی داشته باشم، در بلند مدت آن فرد اخلاقش با من خوب می‌شود. این را در کوتاه مدت ممکن است نبیند.
- در پایه پنجم بچه‌ها باید به قرآن به عنوان بیان کننده قوانین کارهای خوب و درست ارجاع داده شوند. قرآن است که به ما حقایق ماندگار را نشان می‌دهد. بعد نمونه‌هایی به آن‌ها نشان دهیم که به حقایق عمل کرده‌اند و کارنامه شان را گرفته‌اند و الان شاد هستند.
- در پایه ششم، بچه‌ها را با افرادی که تجربیات مفید و مثبتی در زندگی شان دارند و این تجربه باعث تحول زندگی شان شده است، مواجه می‌کنیم. در واقع این‌ها به قوانین، درست عمل کرده‌اند.

تدبر در سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾

انشقت از ریشه شق به معنای شکافتن است.

هنگامی که آسمان شکافته می‌شود. وقتی در مورد آخرت صحبت می‌شود، فعل‌ها ماضی هست ولی به معنی گذشته بودن نیست، به معنی ثابت بودن این حقیقت است.

وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ ﴿٢﴾

و این شکافتن به اذن پروردگارش انجام گیرد و همین اتفاق حق و شایسته است که بیافتد و این اتفاق هم می‌افتد و آشکار می‌شود.

یک تفاوتی بین حقیقت و واقعیت وجود دارد. برخی از چیزهایی که در زندگی اتفاق می‌افتد، واقعیت است یعنی واقع می‌شود. باید انطباق آن را به حقیقت بسنجیم. مثلاً من می‌بینم که فردی زمین می‌خورد، این واقعیت است. حالا باید ببینم حقیقت آن چیست؟ الزاماً آن چیزهایی که ما در واقع با آن مواجه می‌شویم، حقیقت نیستند. باید حقیقت هر واقعیتی را دید. آخرت بستر به وقوع پیوستن حقایق هستند. در دنیا برخی از حقایق واقع نمی‌شوند و برخی از چیزهایی که به نظر می‌رسد دارند واقع می‌شوند، حقیقت نیستند. در آخرت هر چه که واقع می‌شود، هم حق است و هم همه حق، واقع می‌شود. این خیلی موضوع مهمی هست و انسان برای اینکه گول واقع نماها را نخورد باید به حقایق اتکا داشته باشد.

در قیامت آسمان شکاف می‌خورد، یعنی حق آسمان همین هست که به اذن پروردگار این وضع رخ می‌دهد.

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾

و آنگاه که زمین کشیده شود. الان زمین وضعیت سفت و محکمی دارد.

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾

و القا کند، بیرون بریزد هر آنچه را که در درون دارد و خالی بشود.

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾

به اذن پروردگارش و همین هم حق است. شایسته هست که همین شود و این حق است که اتفاق می‌افتد.

این موقعیت را که ترسیم کرد، می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (٦٠)

ای انسان تو کادح به سوی پروردگارت هستی؛

کدح، جهد فی تعب مع استمرار. تلاش خیلی زیاد در خستگی همراه با استمرار است. این وضعیت انسان است. انسان باید در بستر خستگی‌ها که دنیا برایش بوجود می‌آورد، جهد کند. جهد از سعی بالاتر است. این تلاش کردن زیاد در خستگی را باید استمرار بدهد. هی باید خستگی تحمل کند، تلاش کند، خستگی تحمل کند، تلاش کند. این را به صورت فعل نمی‌گویید، به صورت صفت می‌گویید یعنی انسان، تلاش کننده و خستگی را تحمل کننده است. انسان چون انسان است اینگونه است. اگر این کار را نکند از انسانیتش خارج می‌شود. دیدید برخی از افراد می‌گویند: "آخه برای چی؟ چقدر بدبختی؟ که چی؟" این مدل دنیا و مدل انسان است. راست هم می‌گویند. این همه سختی برای چی؟ برخی یکسری کارهایی که باید انجام بدهند را نمی‌دهند تا دچار سختی نشوند ولی انسان اصلا کادح است. این خستگی نمی‌ارزد مگر برای ملاقات با پروردگار.

کدحا یعنی خیلی هم باید تلاش کنی و خستگی را تحمل کنی و استمرار داشته باشی ولی جهتت به سمت پروردگار است. به سمت کسی هست که تدبیر امورت را دارد، مقصدت را مشخص می‌کند، تو را به سمت کمال سوق می‌دهد و نقصهایت را از بین می‌برد. این سختی‌ها به سمت همچین مقصدی هست و می‌ارزد.

لقی یعنی رویارویی همراه با ارتباط است. یعنی مواجه می‌شود و مرتبط شود. خدا را نمی‌توان دید ولی می‌توان او را ملاقات کرد. از دیدن بالاتر و عمیق تر است.

پس ای انسان تو ملاقی او هستی، تو ملاقات کننده او هستی. تو می‌توانی پروردگارت را ملاقات کنی، خدا به تو این امکان را داده است. ملاقیه یعنی صفت انسان، ملاقات کننده پروردگار است. زمان ندارد، ملاقات پروردگار برای بعدا نیست. نگفته سوف یلاقیه. این خیلی مهم است. انبیا به ما نشان داده‌اند که می‌شود خدا را ملاقات کرد. حضرت موسی (ع) وعده گذاشتند مردم را به ملاقات خدا ببرند. خداوند جاهایی را به عنوان میقات قرار داده که

محل‌های ملاقات خداست. ما غیر از این که در همه زندگی‌مان باید چشم باز کنیم و

خدا را ببینیم، به جز آن وعده‌های ملاقات خدا داریم. حضرت موسی(ع) پیامبر خداست و با خدا ملاقات داشته ولی زمان‌هایی را خدا قرار داده که انسان‌ها عمیق تر و دقیق تر خدا را ملاقات کنند. نماز یکی از وعده‌های ملاقات خداست. انسان‌ها باید بدانند که می‌شود خدا را ملاقات کرد. بعضی میقات‌ها که در مناسک مختلف قرار داده شده است، وعده‌های ملاقات خداست. ملاقات خدا! نه الکی، هم واقعی و هم حقیقی. صریح آیه است که انسان ملاقات کننده پروردگارش هست و سختی‌ها به این می‌ارزد.

حالا انسان‌ها نسبت به اینکه این سختی را به جان بخرند یا نخرند، جهت الهی این سختی را پذیرند یا نپذیرند، ملاقات پروردگار را باور کنند یا نکنند، آدم‌ها به نسبت این‌ها دو دسته می‌شوند. آدم‌هایی که در جهت درست حرکت می‌کنند یا در جهت درست حرکت نمی‌کنند. این آیات تکان دهنده است. خدا یک جهتی را برای زندگی ما قرار داده است یا در جهت آن حرکت می‌کنیم و یا نمی‌کنیم. اگر در جهت آن حرکت نکنیم خیلی خطرناک است. اگر قرار نباشد که به ملاقات پروردگار برسیم، اصلا این سختی کشیدن نمی‌ارزد.

برخی اینگونه هستند که امید لقا پروردگار ندارند، *إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ*، کسانی که به آیات خدا غفلت دارند کسانی هستند که به زندگی دنیا رضایت داده‌اند به خاطر اینکه به لقا خدا امید ندارند. این ملاقات هم در دنیاست و هم در آخرت.

خوشا به حال آن‌ها که حافظ قرآن هستند و این آیات را در حافظه دارند. حفظ قرآن برای تدبیر کردن خوب است وگرنه حفظ قرآن به کاری نمی‌آید. خوش به حال آن‌ها که در سن مناسب قرآن را حفظ کردند تا بتوانند در زمان مناسب قرآن را تدبیر کنند. در کودکی و نوجوانی باید قرآن حفظ شود و در جوانی باید روی آن قرآن، تدبیر

شود. آدم‌ها نباید فکر کنند که حفظ قرآن آخرش هست. مثل جدول ضرب برای ریاضی هست. بچه‌ها از اواسط دبستان می‌توانند شروع کنند به حفظ کردن به شرط ایجاد علاقه مندی و تا آخر دوره متوسطه اول تمام شود.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾

انسان‌ها براساس کادح بودن یا نبودن، اعتقاد به ملاقات داشتن و یا نداشتن به دو دسته تقسیم می‌شوند.

انسان‌هایی که کتاب خود را با دست راست خود می‌گیرند.

یمین یعنی اهل یمن و خیر و خوب آدم‌هاست. کتاب یعنی حقایق ثبت شده.

انسان در دنیا زندگی کرده و با قلم اعمال خودش، چیزهایی را در کتاب وجود خودش ثبت کرده است. صفاتی در انسان شکل گرفته است که این حقایق ثبت شده در کتاب شده‌اند. این چیزی که نوشته شده یا خوب بوده یا بد بوده یا استغفار کرده و بدی‌ها پاک شده‌اند. قلم دست انسان است، پاک کن که مغفرت خداست دست خداست. در خرابکاری‌ها باید استغفار کرد یعنی باید از خدا بخواهیم پاک کند.

انسان‌ها براساس اینکه چه چیزهایی نوشته‌اند و اینکه چقدر استغفار کرده‌اند و بدی‌ها را پاک کرده‌اند، برآیند کتابشان یا شوم شده، در آیات دیگری گفته شده که اصحاب شمال شَمَلٌ یا اصحاب مشئمه؛ یا یمن شده است. این‌ها اهل یمین هستند و کتابشان پر از یمین است؛ برآیند آن خوبی است.

فَسَوْفَ يَحْاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾

محاسبه‌ای که خدا با این افراد می‌کند، عالم با آن‌ها می‌کند، یسیر است یعنی روان است؛ مو را از ماست برایشان بیرون نمی‌کشند، با آن‌ها آسان محاسبه می‌شود و به آن‌ها سخت گرفته نمی‌شود.

وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾

این انسانی که کتاب را به یمینش دادند، حالش دگرگون می‌شود و تغییر می‌کند یا برمی‌گردد به سمت اهلش؛ به سوی کارهایی می‌رود که با آنها اهلیت داشته است. در فارسی هم می‌گوییم اهل موسیقی، اهل کار خیر یعنی خانواده اصلی آنها. اهل یعنی خانواده ولی خانواده حقیقی آدم. اهل خانواده ایست که انسان به آنها تعلق دارد؛ که ممکن است همین خانواده دنیایی باشد یا ممکن است نباشد. این افراد در حالی به سمت اهل خویش برمی‌گردند که مسرور و خوشحال هستند.

تحولاتی که بوجود می‌آید، انواع تحولات، تحولاتی که مثلاً در دنیا برایشان بوجود می‌آید، زیر و رویشان می‌کند مثلاً نظام سرمایه داری در عالم زمین می‌خورد، این آدم خوشحالی‌اش از دست نمی‌رود. کسی که ورشکست می‌شود، عالم با او آسان محاسبه می‌کند، بعد هم حالش گرفته نمی‌شود. هرچه بشود این خوشحال است.

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾

از طرف دیگر دسته دوم هستند که نامه اعمال و کتاب خود را از پشتش به او می‌دهند؛ انگار این دسته از افراد، خودشان پشت و رو هستند و نامه اعمال خود را از رو به رو نمی‌گیرند چون رو به حق ندارند؛ اینها مادی و فیزیکی نیست، جایگاهی وجود دارد که از آن کتاب را به انسان می‌دهند، جایگاهی که انسان حقیقت اعمالش را دریافت می‌کند. در سوره زلزال می‌فرماید **يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ**، انسانها به صورت پراکنده بیرون می‌آیند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. جایگاهی وجود دارد که اعمال به انسان نشان داده می‌شود. این جایگاه حقیقی هست، اگر آدمها درست حرکت کرده باشند، با آن جایگاهی که اعمال و کتاب را به آدم نشان می‌دهند، از جلو رو به رو می‌شوند و به دست راستشان رفته است ولی آدمهایی که پشت به حقایق حرکت کرده اند -بالاخره آدمها روی مرکبهایی سوار هستند، لَتَرْكَبُنَّ- از پشت کتابشان را دریافت می‌کنند.

یک بخش از اعمال دست ماست و در آن اختیار داریم ولی جریان کلی زندگی دست

ما نیست و خودش به جلو می‌رود. آخرش دنیا به خیر و صلاح می‌رود هرچقدر هم که مستکبرین سعی کنند که در عالم فساد کنند. در سوره فجر می‌فرماید: فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ، جریان کلی عالم را کسی نمی‌تواند تغییر دهد. روایت داریم که همانطور که شما از مرگ فرار می‌کنید، با مرگ مواجه می‌شوید. حالا برخی از روبه رو با مرگ مواجه می‌شوند چون دارند به سمت حقایق می‌روند، آن‌ها که از مرگ فرار می‌کنند، از پشت با مرگ مواجه می‌شوند.

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ﴿١١﴾

یدعوا: دعا می‌کنند و می‌خواهند.

ثبور: واقع شدن در محدودیت و شدت و سختی که انسان می‌خواهد از آن خلاص شود. ثبور یعنی فریاد اینکه از این واقعیتی که برایم واقع شده است، چگونه نجات پیدا کنم؟ کمکم کنید. نمی‌خواهم چنین وضعیتی داشته باشم. برخی در دنیا هم همین وضعیت را دارند و این بد است. آدمی که دارد با سختی به سمت خدا می‌رود که نباید فریاد و ثبورا سر دهد. خدایا نجاتم بده. آدم دعا می‌کند ولی این حس بدبختی که من یک جا گیر افتادم نباید داشته باشد. باید بداند دنیا اینگونه است. دیگر سخت تر از اتفاقی که برای سیدالشهدا افتاده که نداریم. حضرت زینب سلام الله علیها در آن تنگنا هیچ وقت نگفتند که خدایا این چه فلاکتی هست، ما را از این فلاکت نجات بده. دیگران را دعوت می‌کردند که از این فلاکتی که برای خود ایجاد کرده بودند، نجات دهند.

یدعوا ثبورا، دعا می‌کند، داد می‌زند ثبورا. بچه‌ای که خوابش می‌آید، گرسنه‌اش هست دارد دعا می‌کند تا نیازش را برطرف کند. آدم دعا می‌کند ولی این دعا کردن، نباید طوری باشد که خیلی احساس فلاکت و بدبختی داشته باشد. تضرع خوب هست، ابراز فقر به خدا خوب است ولی حس بدبختی بد است. آدم باید به خدا حسن ظن داشته

باشد. انسان برای رهایی از سختی‌ها تدبیر و فکر می‌کند، از خدا کمک می‌خواهد و دعا می‌کند ولی نباید دعایش ثبور باشد.

سوف یدعوا یعنی این وضعیت وجود دارد و هرچه جلو می‌رود این وضعیت بیشتر می‌شود.

وَيَصَلِّي سَعِيرًا ﴿١٢﴾

به این افرادی که از پشت نامه اعمالشان را دادند و می‌گویند وای بدبخت شدم. در این هنگام به آتش جهنم روبه رو می‌شود.

سعر یعنی شدت حرارت همراه با التهاب. مفهوم آن خیلی به یدعوا ثبورا نزدیک است. سعیر چیزی هست که حرارت و التهاب دارد برای همین به جهنم سعیر می‌گویند. آدم التهاب دارد، لهیب دارد. در سوره مسد می‌فرماید نار ذات لهب. عدم آرامشی که در دنیا داشته است، در آخرت می‌شود سعیر.

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾

این فرد قبلاً چگونه بوده که الان اینطوری شده است؟

این با اهل خودش، حالا اهل گناه، اهل غنا یا اهل هرچیز بدی که بوده است، با آن‌ها خوشحالی الکی داشته است. خدا نخواهد برخی فکر می‌کنند که مجالس گناه برایشان سرور می‌آورد. این سرور موقت می‌آید و تمام می‌شود، دوباره می‌خواهد گناه کند که یک سرور الکی دیگر بدست آورد. انسان می‌افتد در ورطه گناه تا این شادی برایشان حفظ شود.

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴿١٤﴾

گمانش این بوده، فکر می‌کرده هرگز دگرگون نمی‌شود و شرایط تغییر نمی‌کند.

حور یعنی خارج شدن از یک جریان خارجی و بازگشت به یک حالتی که غیر از حالت اول است. مثل تحول است.

این فرد فکر می‌کرده همیشه همینطوری که خوش است، همینگونه خواهد بود. این‌ها به خاطر اعتقاد نداشتن به ملاقات پروردگار است.

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾

سپس خداوند می‌فرماید بلی، چرا جریان عوض می‌شود؛ پروردگارش به او بصیر بود. پروردگار همیشه او را می‌دید. به او اشراف داشت. این یک بخش سوره که خیلی تکان دهنده است.

فَلَا أُفْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾

گاهی وضعیت اینگونه است که روز به سمت شب می‌رود. یعنی انگار همه چیز روشن و آشکار بوده اما اکنون به سمت تاریکی و حالت نهفتگی می‌خواهد برود. مراحل شب شدن را می‌بینید. شفق آنقدر بزرگ است که خداوند می‌فرماید نمی‌خواهم به شفق قسم بخورم. حقایق می‌خواهد به سمت نهفتگی برود.

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾

و سوگند به شب هنگامی که جمع و حمل کرد.

وَسَقَ یعنی جمع و حمل. مثل سبد که یک چیز را جمع می‌کند و حمل می‌کند، وسق همینگونه است. یعنی همه حقایقی که در روز آشکار هست، در شب هم هست. هم حقایق مادی را در نظر بگیرید و هم حقایق معنوی. شب انگار این‌ها را جمع می‌کند و در فضای نهفته خودش نگه می‌دارد و آن‌ها را حمل می‌کند تا روز شود. یک معنای

دیگر اینکه ویژگی شب، این هست که موجودات جمع می‌شوند و می‌روند به لانه‌هایشان، آدم‌ها به خانه‌هایشان می‌روند، سکون و آرامش بوجود می‌آید.

وَالْقَمَرَ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾

اتساق در باب افتعال است که در آن اختیار مطرح هست. وسق که معنی جمع و حمل هست، در باب افتعال رفته است. و قسم به ماه که جمع کردن آنچه که برای خودش قابل جمع کردن است، را اختیار می‌کند. یعنی وقتی ماه نورش کامل می‌شود. شب درست است که دارد تاریک می‌شود ولی یک چیزهایی را در خود جمع می‌کند و می‌توان از مزایای شب استفاده کرد. ماه هم نور خودش را فراهم می‌کند و شما می‌توانید در نور ماه زندگی کنید. این جمع شدن باعث می‌شود که ماه، نوری در حد خودش داشته باشد. هوا تاریک هم بشود، امکانات متناسب با خودش را دارد، تاریکی محض ایجاد نمی‌شود. شب وقت شنیدن است، روز وقت دیدن است. نمازهایی را که در روز می‌خوانیم، ظهر و عصر، حمد و سوره را آرام می‌خوانیم ولی نمازهایی که در تاریکی خوانده می‌شود، حمد و سوره‌اش را به جهر می‌خوانیم.

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾

قسم به این‌ها می‌خورد که بگویند همه زندگی یک جور نیست، مرحله به مرحله است. طبق تقابل بین دو چیز با تساوی شان است یعنی دو چیز با همدیگر مقابل می‌شوند و با هم یک هماهنگی به وجود می‌آورند. مثلاً طبقات ارض، لایه‌های مختلف زمین است که بهم می‌خورند و با هم به تساوی می‌رسند. گاهی مدل زندگی اینگونه است که طبقاً عن طبق است یعنی از یک مرحله‌ای به مرحله دیگر می‌رویم. درست است که شما سوار مرکبی هستید تا بروید به ملاقات نهایی پروردگار برسید ولی طبقاً عن طبق هست، فکر نکنید که قرار نیست شرایطتان عوض شود. نترسید که از وضعیتی به وضعیت دیگر بروید. بچه در یک سنی به

مدرسه می‌رود. بعد بزرگ می‌شود، ازدواج می‌کند. زندگی بد که نمی‌شود، شرایط تغییر

می‌کند. گاهی شب می‌شود بعد روز می‌شود، همیشه مرحله جدید بستری از نهفتگی برای آدم دارد. ورود به مرحله جدید مثل این است که می‌خواهید وارد شبی بشوید چون شرایط برای انسان ناشناخته است. بعد شما به روز آن می‌رسید، دوباره مرحله بعد آغاز می‌شود. شبانه روز از مغرب، از زمان شفق شروع می‌شود. انسان کادح است. اگر انسان سختی‌های مرحله بعد را تحمل نکند، در مرحله قبل پوسیده می‌شود. میوه وقتی می‌رسد باید چیده شود. باید یادمان باشد که مقصد ملاقات پروردگار است.

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾

پس چه شد که ایمان نمی‌آورند؟ چرا ایمان نمی‌آوردند؟ وقتی قرآن برایشان خوانده می‌شود چرا سجده نمی‌کنند؟ شما حقایق قرآن را بخوان، بفهم، بپذیر، بخوان، بفهم، بپذیر. برای اینکه ببینید عملکرد درست چیست و جهت ملاقات پروردگارتان را حفظ کنید باید ببینید قرآن چه گفته و به آن عمل کنید.

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾

افرادی که کفر می‌ورزند، دائما در حال تکذیب حق و قرآن و آیات الهی هستند؛ در حالی که خداوند به آنچه که دریافت می‌کنند علم بیشتری دارد و او بهتر می‌داند هرکس چه چیزی را در ظرف وجودی خود می‌ریزد.

انسان باید مراقب وعاء خودش باشد. وعی یعنی حفظ همراه با محتوی چیزی بودن. با دربرگرفتن حفظ می‌کند مثلا چیزی را در ظرفی می‌ریزی که تیره باشد تا در مقابل نور مستقیم خورشید قرار نگیرد. به همین علت به ظرف می‌گویند وعاء. چیزی که محتوای خود را حفظ می‌کند.

یوعون، چیزی را دربرگرفتن است. بیشتر برای شنیدن استفاده می‌شود. یکی از نعمت‌های بهشت این هست که لغو نمی‌شنوند، این خیلی مهم است. در جهنم آدم‌ها حرف لغو می‌شنوند. یوعون یعنی چیزهایی که آدم‌ها دریافت

می‌کنند و درون خودشان قرار می‌دهند و آن را حفظ می‌کنند، محتوای وجودیشان می‌شود. افرادی که پای ماهواره می‌نشینند، ظرف وجودیشان همین می‌شود. کسی که محتوای وجودیش با موسیقی پر می‌شود، دیگر نمی‌تواند حق را بپذیرد و حق را تکذیب می‌کنند.

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾

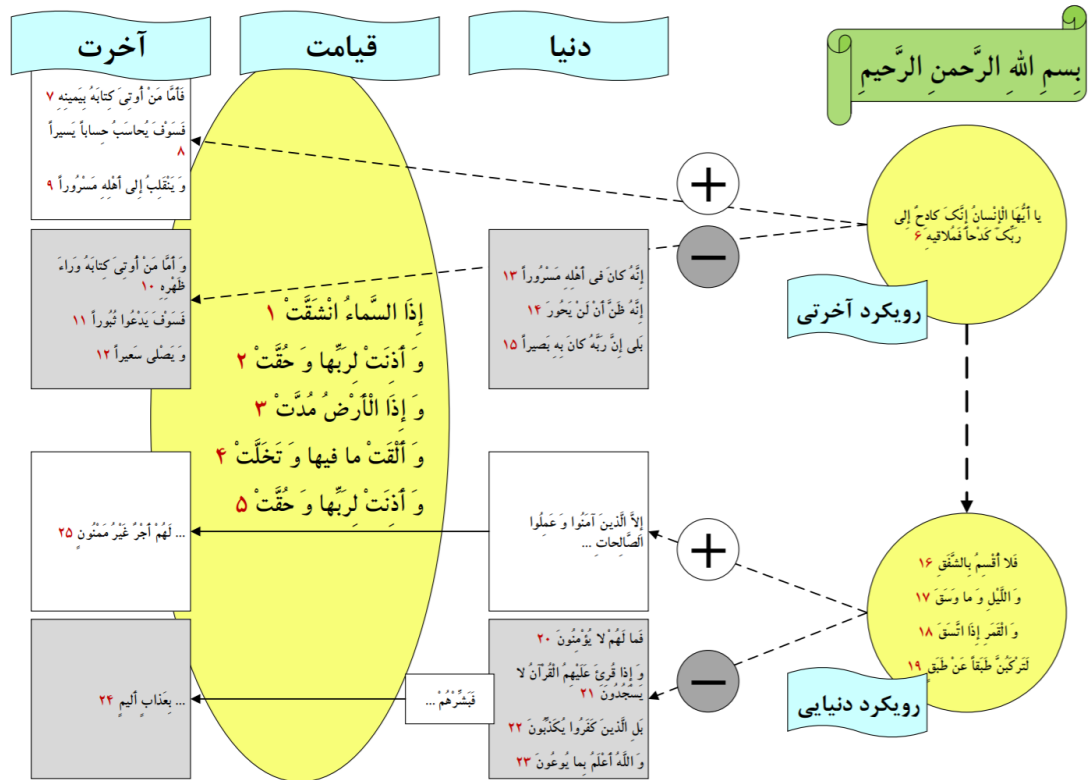
پس ای پیامبر بشارت بده به عذاب دردناک. بشارت یعنی چیزی را که به آدم‌ها نزدیک هست را بگوییم بین این است. ممکن است خوب باشد یا بد باشد ولی آخرش خوب است. مثلاً کسی که دست به چیز داغی می‌خواهد بزند بگویی بین بین داری می‌سوزی، اگر این آدم از این حرف بهره ببرد باعث می‌شود که نسوزد یا اگر دارد به چیز خوبی می‌رسد باعث می‌شود که به آن زودتر برسد.

مراقب باشید که چه چیزی دارید می‌شنوید. مراقب باشید که چه چیزی دریافت می‌کنید. مراقب باشید که این چیزها که دریافت می‌کنید، باعث می‌شود حقایق را تکذیب بکنید.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

کسانی از این عذاب الیم، دریافت‌های بی خود و عدم باور به ملاقات پروردگار و غیره نجات پیدا می‌کنند که ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند. این‌ها یک اجر و پاداش بی‌انتها دارند. اجر این‌ها تمام نمی‌شود.

جمع بندی سوره



به نمودار سوره دقت کنید. قیامت یک سر در دنیا دارد و یک سر در آخرت. قسم‌های ابتدایی سوره، آیات آخرتی را بیان می‌کند بعد می‌فرماید یا ایها الانسان که قانون اینکه کدح انسان برای ملاقات پروردگار است را بیان می‌کند. براساس این قانون آدم‌ها دو دسته می‌شوند:

- آدم‌های مثبت کسانی هستند که کتابشان به یمینشان داده می‌شود و با آن‌ها محاسبه یسر می‌شود. بعد از واقعه قیامت این‌ها به صورت مسرور به اهلشان منقلب می‌شوند.
- آدم‌های منفی کسانی هستند که کتابشان از پشت به آن‌ها داده می‌شود، فریاد و اثبورا سر می‌دهند. این‌ها با آتش سوزان مواجه می‌شوند. این افراد وقتی در دنیا بودند، با اهل خودشان شاد بودند و فکر می‌کردند تحولی برایشان رخ نمی‌دهد درحالیکه خداوند کاملاً به آن‌ها بصیر بود.

سپس سوره قانون شب شدن را مطرح می‌کند. قسم به لیل اذا وسق و قمر اذا تسق که زندگی آدم‌ها مرحله به مرحله است. بر اساس این قانون باز آدم‌ها دو دسته می‌شوند:

- دسته‌ای که ایمان نمی‌آورند و وقتی قرآن خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند. تکذیب می‌کنند. خدا هم می‌داند که این‌ها چه می‌شنوند و دریافت می‌کنند. خدا به پیامبر(ص) امر می‌کند که این‌ها را به عذاب الیم بشارت دهد.

- دسته‌ای دیگر که ایمان می‌آورند و عمل صالح انجام می‌دهند. این‌ها اجر بی‌انتها دارند. دو رویکرد است. قسمت اول سوره رویکرد آخرتی هست و قسمت دوم سوره رویکرد دنیایی هست.

سوالات

یکی از بچه‌ها پرسیده آیا امام زمان(عج) با مامان من نامحرم هستند؟ به نظر شما چه پاسخی در پرسش این دانش‌آموز باید بدهیم؟

خب کلا این محرم و نامحرمی مربوط به دنیا است. در دنیا بله اگر مادرشان سید نباشند امام زمان(عج) نامحرم هست. بعضی‌ها می‌پرسند که شهدا به ما نامحرم هستند وقتی شما از محدوده دنیا خارج می‌شوید اصلاً جنسیت موضوعیت ندارد چون جنسیت مربوط به نقشی است که آدم در دنیا دارد وقتی جنسیت موضوعیت نداشته باشد دیگر محرم و نامحرمی به این معنا معنی ندارد. امام زمان(عج) نامحرم هستند ولی خب نامحرم بودن محدودیتی در عرض ارادت و ارتباطی که با ایشان دارد ایجاد نمی‌کند چون خیلی از علما و بزرگان اساتیدی هستند غیر از امام زمان(عج) که افراد به آن‌ها ارادت دارند که افراد با آن‌ها به لحاظ دنیایی نامحرم هستند. ولی ائمه دیگر که خارج از محدوده دنیا راجع بهشان صحبت می‌کنیم دیگر این بحث مطرح نیست.

ملاقات با خدا یعنی چه؟

ملاقات با خداوند را فکر می‌کنم در صحبت‌هایی که کردیم جوابش را داده باشم، ملاقات

با خداوند یعنی با خداوند مواجه شدن، حضور خدا را به طور کامل درک کردن و ارتباط خیلی مستقیم با خدا گرفتن. وقتی بچه ۸ ساله می‌پرسد ما می‌توانیم خدا را ببینیم باید بگوییم نه، البته می‌توانیم بگوییم که اگر آدم بزرگ شود می‌تواند خدا را ببیند. نرود که اینها مال خودمان است.

✚ می‌توانیم بگوییم وقتی مثلاً یک گل زیبا را می‌بینیم بگوییم خدا را ملاقات کرده‌ایم؟

نه، اصلاً در مورد ملاقات خدا با بچه‌ها صحبت نکنید چون ملاقات خدا اصلاً یک حقیقت خیلی والایی است اصلاً از این چیزها و از این مدل نیست مثلاً از این مدل‌هایی که وقتی گل می‌بینیم خدا را ملاقات کرده‌ایم نه اصلاً ما از اول نیاز داریم خودمان حقیقت ملاقات با خدا را درک کنیم اصلاً بچه‌هایی که در درکشان نیست. ما اول خودمان باید روی خودمان کار کنیم. ملاقات با خدا یعنی ملاقات خدا یعنی خدا را ببینیم آدم‌ها باور نمی‌کنند که می‌شود خدا را ملاقات کرد. خدا را باید ملاقات کرد نه که گل می‌بینیم مثلاً یعنی خدا را ملاقات کرده‌ایم. اصلاً راجع به ملاقات خدا بچه‌ها به این معنا چیزی نمی‌گوییم به خصوص بچه‌های پایه‌های پایین‌تر که کلاً فقط می‌پنجانیم. راجع به خدا و چستی خداوند، ارتباط مستقیم با خدا، با بچه‌ها اصلاً نباید مستقیم صحبت کنیم. خدا نماز است، به خاطر خدا یک کاری را می‌کنیم، خدا با ما مهربان است، همیشه از این چیزها باید بگوییم. پایه‌های پایین‌تر که زیاد در مورد خدا صحبت نمی‌کنیم، پایه‌های بالاتر که در مورد خدا صحبت می‌کنیم اینکه ما باید برای خدا نماز بخوانیم، خدا را عبادت می‌کنیم، خدا را دوست داریم، خدا ما را دوست دارد و این‌ها. وارد این بحث‌ها نباید بشویم.

نکته خانم سیفی

که اگر مربی به سجده این آیه در هنگام تلاوت اهمیت دهد برای بچه فراموش نشدنی است چرا که خدا کاری را دوست دارد ولی واجب نیست با این وجود معلم ترجیح داده انجام دهد و این برای آن‌ها الگوی آموزشی خواهد بود.

✚ چرا مسرور هم برای اهل یمین گفته شده و هم برای گروه دیگر، سرور آنها

در قیامت مثبت تعریف می‌شود ولی برای گروه دیگر در دنیا منفی است خود واژه مسرور منفی است؟

واژه مسرور نه منفی است نه مثبت، بستگی به این دارد که واقعی باشد یا نه. مثل نفع است خب نفع چیز خوبی است اگر نفع حقیقی باشد خوب است، اگر حقیقی نباشد خوب نیست. مسرور هم همین طوری است یعنی خوشحال است، شاد است. آدم‌ها ممکن است گناه کنند و خوشحال باشند ولی این خوشحالی موقتی است، یعنی این کار نتیجه‌اش ناراحتی خواهد بود و آن مسرور، مسرور حقیقی است که علیرغم همه تحولات و انقلابات و... همچنان سرورش حفظ می‌شود.

✚ بشارت در مورد موارد منفی هم آمده است؟

بشارت و انذار به معنای انذار به چیزهای منفی و بشارت به چیزهای مثبت نیست، انذار به چیزهایی است که بعداً می‌خواهد اتفاق بیفتد، بشارت به چیزهایی است که دم دست‌تر هستند. کلاً هم نتیجه‌شان مثبت است. انذار حرکت ایجاد می‌کند، بشارت هم در واقع توجه را به مقصد که دارد به آن نزدیک می‌شود، جلب می‌کند.

بشارت دادن به یک چیزی یعنی نشانه‌های آن چیز پیدا شده و ما به آن بشارت می‌دهیم مثلاً طلیعه‌های پیروزی پیدا شده ما بشارت پیروزی را می‌دهیم. مثلاً فرض کنید که بشارت فتح خرمشهر... ان شالله یک روزی بشارت فتح قدس را به ما می‌دهند یعنی قدس فتح شده ولی ما هنوز با آن مواجه نشدیم به صورت بشارت ما را با آن مواجه می‌کنند. حالا بشارت به عذاب یعنی خبر از این عذاب به او می‌دهند که با آن مواجه می‌شوی. احتمالاً این شرایط همچنان شرایطی باشد که این آدم اگر باز هم متوجه شود بتواند خودش را نجات بدهد و با توبه برگردد، شاید هم دیگر خیلی دیر شده باشد و لحظه آخر باشد.

✚ فرق قیامت و آخرت در چیست؟

قیامت یک سر دنیایی دارد و یک سر آخرتی دارد. قیامت از یک طرف آخر دنیا است و از آن طرف اول ورود انسان به آخرت است. آخرت کلاً آن بستر و آن سطح و آن مرتبه‌ای است که جهان دیگری است و دیگر دنیا نیست، ولی قیامت لحظه دگرگون شدن دنیا و نابود شدن دنیا و تمام شدن دنیا است که دیگر چیزی به جز آخرت باقی نمی ماند، سر ورود به آخرت است.

اهداف تربیتی سوره مبارکه انشقاق

سوره مبارکه انشقاق سوره‌ای برای مواجه شدن با کار خوب، انجام کار خوب و کار شادی بخش است. یعنی سوره‌ای است که بچه ها در آن یاد بگیرند کارهای شادی آور بکنند منتها کارهای شادی آور کارنامه دار، کارهای شادی آور عاقبت دار، کارهایی که واقعاً شادی آور باشد.

پایه اول

مواجه شدن با کار خوب شادی آور

در پایه اول بچه‌ها باید کار خوب ببینند، کار خوب شادی آور ببینند، مثل همه اتفاق‌های دیگر در پایه اول. پایه اول مدلشان مواجهه است، باید با یک چیزی مواجه شوند این جا هم باید با کار خوب شادی آور مواجه شوند مثلاً به بچه‌ها نشان داد که این کار آن‌ها را خوشحال می‌کند، ما در مورد حق و باطلش به بچه‌های کلاس اول چیزی نمی‌گوییم ولی نمونه‌هایی که با آن مواجه می‌شوند باید کارهای خوب شادی آور حق باشند، مثلاً این جوری که یک موسیقی گناه بگذاریم آدم‌ها در آن حرکات موزون انجام دهند و شاد شوند طبیعتاً این چیز را به عنوان کار خوب شادی آور به آن‌ها نشان نمی‌دهیم. کارهای حق که خوب و شادی آور هستند.

نمونه‌های خوب این کارها خانواده است مثلاً اینکه آدم با مادرش این کار را بکند و مادرش را خوشحال کند این که آدم با پدرش اینجوری برخورد کند و دست پدر را ببوسد و پدر را خوشحال کند، یا کارهای خوب و شادی

آوری که مثلاً این معلم این کار را می‌کند بچه‌ها خوشحال می‌شوند یا بچه‌ها این کار را می‌کنند، معلم خوشحال می‌شود مثلاً نکته جالب در مورد بچه‌های خیابانی، اینهایی که سر چهارراه‌ها جلوی ماشین‌ها را می‌گیرند یا در پیاده‌روها جلوی پیاده‌ها را می‌گیرند، خیلی باید به این‌ها فکر کرد برای این‌ها باید یه کاری کرد این‌ها به شدت نیازمند احترام هستند، اصلاً اینها مصداق یتیم هستند. من دو سه شب پیش داشتم با ماشین می‌رفتم یکی سر چهارراه آمد گفت عمو شیشه‌ات را پاک کنم، گفتم عمو چون هیچی پول تو جیبم ندارم گفت نوکرتم عمو من پاک می‌کنم، من اخلاقم اینجوریه، بعد شیشه من را پاک کرد، قشنگ تا چراغ قرمز بود شیشه را تمیز پاک کرد گفت خوب شد؟ و رفت، من در این فاصله یک هزار تومانی گشتم در جیبم پیدا کردم بهش دادم و گفتم ببخشید عمو چون من فقط همین هزار تومنی را دارم یعنی واقعاً برای این پول این کار را نکرد برای آن عمو چون این کار را کرد.

پایه دوم

دیدن کارهای خوب متنوع

وقتی برای پایه دومی‌ها می‌خواهیم سوره مبارکه انشقاق را درس بدهیم به تنوع کارهای خوب اشاره می‌کنیم. پایه اول و دوم‌ها خیلی به هم شبیه هستند، ولی در پایه دوم به موضوع تنوع می‌پردازیم. این فقط برای سوره‌ها نیست کلاً باید وقتی شما دانش‌آموز کلاس اولی دارید، مواجه‌اش کنید و ابرازش را فعال کنید، در دوم همینطور که مواجه می‌کنید، ابراز را فعال می‌کنید، باید با تنوع آشنایش کنید.

وقتی می‌خواهیم سوره مبارکه انشقاق به بچه‌های پایه دوم درس بدهیم آن‌ها را باز هم با کارهای خوب و شادی آور که دیگران را خوشحال می‌کند مواجه می‌کنیم. اولاً تنوع کارها را به آن‌ها نشان می‌دهیم ثانیاً اینکه این کار خود آدم را خوشحال می‌کند را به آن‌ها نشان می‌دهیم. یعنی اینکه من وقتی یک کار خوب می‌کنم، خودم خوشحال می‌شوم که این کار خوب را کردم.

به بچه‌های کلاس دوم تنوع کارهای خوب را نشان می‌دهیم، اینکه کارهای خوب انواع دارد بعضی کارها است که هزینه دارد مثلاً هدیه خریدن، بعضی کارها فقط یک رفتار ساده است مثل یک لبخند و بعضی کارها مدلش اینطور است که باید یک کاری را نکنیم، بعضی کارها مدلش این طور است که باید یک کاری را بکنیم، بعضی کارها یک آسان‌تر است، بعضی کارها یک سخت‌تر است، انواع به آن‌ها نشان می‌دهیم و آن‌ها چون سنشان، سن درک تنوع و انواع است، انواع کارهای خوب و شادی آور را به آن‌ها نشان می‌دهیم و اینکه این کار خود آدم را خوشحال می‌کند، اینکه آدم این کار را انجام می‌دهد خودش خوشحال می‌شود. در کتاب کودک و فهم قرآن در پایه دوم این را نوشته است که داشتن یک کارنامه درخشان (سوره انشقاق در پایه دوم) بی‌شک ثمره انجام کارهای خوب و درست متنوع می‌باشد، لذا محور فعالیت‌ها و برنامه‌ها بر اساس مفاهیم سوره مبارکه انشقاق در این مرحله تفصیل و بسط کارهای خوب و تهیه فهرستی از کارهای خوب می‌باشد که موجب تحقق نتایج مثبت و ارزشمند و بروز شادی و نشاط برای انجام دهنده آن می‌گردد.

پایه سوم

انجام یک کار خوب و آشنایی با ثمرات آن

در پایه سوم علاوه بر انتقال مطالب پایه قبل، باید یک کار خوب شادی‌آور انجام دهند زیرا پایه سوم، پایه‌ای است که بچه‌ها باید به صورت عملی حتماً یک کاری را انجام دهند. خب باید این کار خوب شادی آور را فقط با آن مواجه نشوند، انجام بدهند. کاری در حد بچه کلاس سوم.

بهتر است نگوییم تمرکز بر انجام یک کار خوب چون نمی‌خواهیم فقط روی یک کار تمرکز کنیم منتها می‌خواهیم این کار واقعاً انجام شود باید بگوییم انجام یک کار خوب و آشنایی با ثمرات انجام کار خوب. نتیجه‌اش را ببینند، لذتش را بچشند. یکی را شاد کند و نتیجه‌اش را ببینند، خودشان هم شاید شاد بشوند. مثلاً می‌گوییم برویم خانه مادرمان را به این شکل خوشحال کنیم، در مدرسه معلممان را اینطوری خوشحال کنیم، دوستانمان را اینجوری

خوشحال کنیم و خودمان از این خوشحالی خوشحال شویم. یعنی لمس کنند این کاری را که انجام می‌دهند، نتایجش را لمس کنند.

پایه چهارم

خوبی کردن نسبت به دیگران در قالب کارهایی که اثرش طی زمان معلوم می‌گردد

در پایه چهارم قدرت انتزاع بچه‌ها بیشتر است و بچه‌ها درک انتزاعی دارند و ضمناً سالی است، که می‌شود از بچه‌ها توقع کارهای سخت داشت، آمادگی این را پیدا می‌کنند که کارهای سخت را انجام دهند. خیلی از سوره‌ها مدل پایه چهارمی‌اش این طور بود که کار سخت بکنند. برای بچه‌های پایه چهارم سوره انشقاق را که می‌خواهیم بگوییم با کارهای خوب و شادی آور مواجهه‌شان می‌کنیم، می‌خواهیم که انجام دهند ولی به طور مشخص برای پایه چهارم توقع ما این است که بچه‌ها یک کار خوب برای بقیه بکنند، ولی توقع نداشته باشند کار خوب که کردند همین الان نتیجه بدهد و مخاطبشان را خوشحال کند، یاد بگیرند کارهایی بکنند که این کارها بعداً ممکن است کسی را خوشحال کند، ثمراتش بعد تر ممکن است خودش را نشان بدهد.

انجام کارهای خوب نسبت به دیگران که اثرش طی زمان معلوم می‌شود. از چهارم ها این توقع را داریم. چون فضای سوره انشقاق هم این طور است که آدم‌ها ممکن است إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَجُورَ (۱۴) باشند و این بد است که آدم‌ها فکر کنند که شرایط عوض نمی‌شود، باید بدانند که بعداً شرایط تغییر می‌کند، یک کاری بکنند که بعداً در مرحله بعد و شرایط دیگری در گذر زمان نتیجه می‌دهد. چون می‌خواهیم در سوره انشقاق بچه‌ها یاد بگیرند که خوبی و خوشحالی، آن خوبی و خوشحالی است که عاقبت دار باشد. حالا دیگر یواش یواش از بچه‌های پایه چهارم به بعد دیگر باید بچه‌ها را آشنا کنیم با کارهای خوبی که ممکن است الان نتیجه‌اش را ما نتوانیم لمس کنیم، ثمرش برایمان معلوم نباشد و ثمره‌اش در گذر زمان معلوم بشود.

حالا باید پیشنهادهایی داد مثلاً یک کارهایی الان انجام بدهند اینکه یک پولی الان

جمع می کنند برای اینکه برای یک کسی هدیه بخرند الان تلاش می کنند و پول جمع می کنند تا زمان هدیه خریدن برسد، این زمان نباید خیلی دور باشد که خسته شان کند. این بعداً مثلاً باید یک هفته دیگر، یک ماه دیگر بالاخره در شرایطی باشد که فراموش نشده باشد. بعداً ممکن است یادشان هم رفته باشد و حتماً بهشان یادآوری کنیم که دیدین بچه ها سوره انشقاق را، آن کاری که آن موقع کردیم الان نتیجه اش را دیدیم.

پایه پنجم

شناخت قرآن به عنوان کتاب قوانین انجام کارهای خوب

در پایه پنجم وقتی می خواهیم سوره انشقاق را درس بدهیم اگر اولین بار است که می خواهیم سوره انشقاق را بگوییم، باید مطالب پایه های قبل را به آن ها منتقل کنیم.

در پایه پنجم می گوییم بچه ها ما برای اینکه بدانیم چه کارهایی آدم را خوشحال می کند و چه کارهایی خوشحال کردنش، خوشحال کردن ماندگار است و با گذر زمان هم این خوشحالی از بین نمی رود و در شرایط بعد هم این خوشحالی ادامه دارد و خوشحالی ایجاد می کند نیاز به یک سری قوانین داریم باید قانون خوشحال شدن و خوشحال کردن را بدانیم.

به بچه های پنجم، قرآن را به عنوان کتاب قوانین انجام کارهای شادی آور معرفی می کنیم. قرآن را به عنوان کتاب قانون برای انجام کار خوب و درست معرفی می کنیم. قاعدتاً اگر سوره انشقاق را سر جایش بخواهیم درس بدهیم بچه ها ۳۱ سوره خوانده اند، با قرآن آشنا هستند، تعداد زیادی قانون می دانند.

می گوییم بچه ها قرآن، کتاب قانونی است که بر اساس این کتاب قانون است که ما باید کارهای خوبی را انجام بدهیم. اگر کارهایمان را طبق قوانین قرآن انجام دهیم، کارها شادی آور خواهند بود و شادی های ماندگار ایجاد می کنند.

روبرو شدن با افرادی که به واسطه عمل به قوانین قرآن، به موفقیت‌های بارز رسیده‌اند

در پایه ششم بچه‌ها باید وارد عملیات‌های اجتماعی شوند. گاهی با کارگروهی این کار را می‌کنند، گاهی به گونه‌ای است که ما می‌گوییم اگر شما یک کار خوب بکنید، کار خوب ماندگار، شادی دارد و شادی اش در آینده هم نتیجه می‌دهد.

یک کسی را دعوت کنیم که این آدم به کارهای خوبی قبلاً کرده نتایجش الان به دست آمده و نتایج ماندگاری داشته است، ولی نتایجی که به آن رسیده باید برای بچه‌های کلاس ششم ملموس باشد و دلشان بخواهد که جای او باشند و دلشان بخواهد آن‌ها هم آن کارها را بکنند. مثلاً کسی بیاید از خاطراتش تعریف کند که من آن موقع که این کارها را می‌کردم اصلاً اینجوری نبود و کسی فکر نمی‌کرد این کارها اینجوری نتیجه بدهد، بعضی‌ها به من می‌گفتند که چرا داری این کارها را می‌کنی، الان فایده ندارد این کارها ولی من بر اساس یک قانونی این کار را می‌کردم به خاطر حرف خدا، به خاطر حکم خدا، به خاطر اینکه پدرم گفته بود، معلمم گفته بود، طبق حکمی، طبق قرآن این کار را می‌کردم و این کار را چون می‌دانستم کار درستی است انجام می‌دادم، امروز که شرایط عوض شده تحول در زندگی‌ام به وجود آمده، یک جور دیگر شده، ثمرات آن کار را امروز دارم می‌بینم که این ثمراتش است که این برای بچه‌ها ملموس و عینی بشود.

نمونه اش را با دعوت از یک مهمان یا با نشان دادن یک فیلمی یا مثلاً بردن به یک جایی یا مثلاً خواندن زندگی‌نامه یک شخصی، با مدل‌های مختلفی آن‌ها را مواجه می‌کنیم با یک کسی که آن شخص یک عملکردی قبلاً داشته و نتیجه‌اش را حالا امروز گرفته است.

✚ برای پایه دوم تاسیس بانک جایزه برای کارهای خوبی که دانش آموز ها انجام

می دهند و تشویق با ارائه کارت امتیاز، خوب است؟

بله، این کار خوبی است ولی باید بچه ها را در سوره انشقاق سوق بدهیم به خوشحال شدن هایی که ذاتی این کار هستند، یعنی به خاطر اینکه یکی را خوشحال کردند، خوشحال می شوند البته از این ها به عنوان چاشنی می شود در این سن استفاده کرد، در واقع نباید همه خوشحالیشان به خاطر جایزه باشد، باید این جایزه محرک باشد برای انجام کارهای خوب ولی باید خوشحالی هایشان به خاطر خوشحال کردن ها باشد.

✚ در پایه چهارم زدن قلمه، کاشت دانه که متوجه می شوند نتیجه آن بعداً ظاهر می شود، خوب است؟

بله، این کار خوبی است منتها باید جنبه شادی آور بودنش را هم تاکید کرد ولی نمونه خوبی است.

✚ برای پایه پنجم حفظ آیات موضوعی جز سی ام با محوریت قانون خوب با اجرای مسابقه، مناسب است؟

خیلی مثال خوبی است ولی پیشنهاد ما این است که به جای آیات موضوعی البته آیات موضوعی هم بد نیست ولی آیات موضوعی باید با رویکرد سوره های جزء ۳۰ باشد چون بچه هایی که دارند سوره انشقاق می خوانند علی القاعده همانطور که گفتم این سی و دومین سوره ای است که دارند می خوانند حالا اگر به ترتیب خوانده باشند و سوره ها را اگر مدل درست فهم قرآن اجرا شده باشد، حفظ شده اند چون سه هفته مثلاً یا یک ماه با این سوره بوده اند و بر اساس سوره کارهایی کردند و فعالیت هایی کردند و سوره را حفظ شده است، سوره را بلدند، موضوع سوره را می دانند، قانون سوره را می دانند و به این قانون اشاره شود مثلاً اگر هم آیات را حفظ کردند آیات را با توجه به سوره حفظ کنند. مثلاً در سوره مبارکه انشقاق **إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ** (۱۴) این آیه خیلی آیه خوبی است که بعضی ها فکر می کنند شرایط هیچ وقت عوض نمی شود این آیه را از سوره انشقاق حفظ کنند که می دانند سوره انشقاق درباره کارهای خوب شادی آور است و مثلاً آیه های شبیه به این شاید اینجا جای خوبی باشد برای حفظ

آیات موضوعی اما آیه‌های موضوعی که در واقع حواسشان به سوره و هدف سوره و پیام اصلی سوره هم باشد. خیلی این کار خوبی است.

✚ کارهای خوب مثل کمک به دیگران، احترام گذاشتن به پدر و مادر و کارهای خوب، همه این‌ها در پیام

های قرآنی کتاب‌های بچه‌ها هم آمده که می‌توانیم از آنها هم کمک بگیریم.

خیلی هم عالی است. ارتباط با کتاب‌های درسی هم در واقع پوشش می‌دهد.

✚ استاد اخوت گفتند سوره چون کلمه اهل دارد خوب است تمرکز روی خانواده باشد.

بله، خوب است که تمرکز روی خانواده باشد به خاطر اهل ولی محدود به خانواده هم نیست. ولی اینطور است که می‌خواهید سوره انشقاق کار کنید وقتی روی خانواده کار می‌کنید خیلی شدنی‌تر و عملیاتی‌تر است. نمی‌خواهیم اصرار کنیم که روی خانواده کار بشود ولی واقعاً سوره انشقاق روی خانواده بهتر جواب می‌دهد، مدلش خیلی اینطور است، چون وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷) دارد، "اهل" دارد، در واقع فضای اینکه دور هم جمع شده‌اند، دارد، خیلی مدلش به مدل خانواده می‌خورد. حالا اگر خانوادگی نبود نمی‌شود بگوییم سوره انشقاق نیست ولی واقعاً با خانواده بهتر جواب می‌دهد.

✚ نکته خانم سیفی: بانک چون حس مال و پول دارد بهتر است نگاه مادی برای بچه‌ها استفاده نشود،

بچه‌ها را یاد بانک می‌اندازد چون در محاورات خانواده، مباحث مالی خیلی زیاد است حس منفی دارد

می‌توان از کلمه گنج جایزه، جعبه جایزه، صندوق جایزه استفاده کرد.

✚ خوب است طرح درسی طراحی کنیم که چگونه می‌توانیم اعضای خانواده خودمان را خوشحال کنیم و با

این کار سبب می‌شود اعضای خانواده به لحاظ روحی هم به هم نزدیک شوند.

این کار فوق‌العاده‌ای است برای سوره انشقاق.

فهم قرآن

✚ در پایه چهارم دانش آموز به کمک مادر ترشی یا مربا درست کند، معلم می تواند به عنوان فعالیت درخانه قرار بدهد.

خیلی خوب است این، هم خانواده دارد، هم در واقع کاری است که اثرش در گذر زمان معلوم می شود. باید روی بخش شادی آور بودنش تاکید شود.

✚ نامه های یواشکی، گذاشتن در جیب پدر، خوب است؟

خیلی این پیشنهاد خوبی است، واقعاً پدر خوشحال می شود خودم به عنوان یک پدر اگه نامه یواشکی در جیبم بگذارند خیلی خوشحال می شوم.

خدا ان شاءالله همه مان را با قرآن محشور کند و ان شاءالله در روز قیامت همه مان را به عنوان خادم قرآن صدا کنند و در صف خادمین قرآن قرار دهند، قرآن جلو بایستد و ما پشت سر قرآن برویم داخل بهشت ان شاءالله به برکت صلوات بر محمد و آل محمد